

حجاب در قرآن و عهدین

نویسنده: صفیه فرهادی^۱

استاد ناظر: ابوذر عندلیب^۲

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

دریافت: ۱۳۹۵/۱۸/۰۳

چکیده

ادیان الهی، به خاطر تناسبشان با فطرت و احکام کلی، جهت و شیوه واحدی دارند، و به این دلیل که ریشه در یک مبدأ دارند، و تعالیم آنها از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد، در مسائل بنیادین اعتقادی و نیز برخی مباحث فرعی، اشتراک نظر دارند؛ مسئله حجاب از جمله این مسائل است.

در این مقاله، ضرورت پوشش و اهمیت و جایگاه آن در سه آئین یهود، مسیحیت و اسلام بحث شد.

حجاب و پوشش در تمام ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است، و یکی از دلایل اساسی آن این است، که حجاب و عفاف، یک امر فطری است. اگر به لباس ملی کشورهای جهان نگریسته شود، به خوبی حجاب و پوشش زنان را می‌توان مشاهده کرد، که نشان می‌دهد حجاب در میان بیشتر ملت‌های جهان- و در طول تاریخ- معمول بوده، و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است.

واژگان کلیدی: حجاب، مسیحیت، یهودیت، اسلام، عهدین، قرآن کریم

۱- دانش‌پذیر دوره‌های کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، farhadi.yaallah@gmail.com

۲- پژوهشگر دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ، abazar.andalib@gmail.com

مقدمه

ادیان الهی هماهنگ با فطرت آدمی، گرایش به پوشش و عفاف را به عنوان یک اصل پسندیده مطرح کرده‌اند. در این ادیان صرفاً به حجاب ظاهری تأکید و بسنده نشده است؛ بلکه حجاب باطنی نیز به عنوان آراستگی درونی و تلاش در جهت تأدیب نفس برای هر مرد و زن متدین، توصیه شده است.

در این مقاله، ضرورت پوشش و اهمیت و جایگاه آن در ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام بررسی می‌شود، که با بررسی نصوص دینی، نگرش این ادیان نسبت به حدود و چگونگی پوشش، روشن می‌گردد.

حجاب در آئین یهودیت

أ. عمومیت حجاب

پراکندگی قوم یهود و قدمت آن موجب شده است رعایت پوشش و چگونگی اجرای آن با فراز و نشیب‌هایی مواجه باشد؛ اما از آن‌جا که معیار داوری در این پژوهش، نصوص مذهبی این آئین است، به بررسی پوشش در این دین پرداخته می‌شود.

به طور کلی در این آئین، پوشش سر و نیز استفاده از چادری که همه اندام را بپوشاند، در میان زنان بنی‌اسرائیل امری رایج و مرسوم بوده است.

در این خصوص، در مورد عروس یهودا^۱ چنین آمده است:

پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرده، و برقی بر روی کشیده، و خود را در چادری پوشیده، و به دروازه عینایم - در راه تمنه - نشست.^۲

ب. حدود و چگونگی پوشش

همان‌طور که بیان شد، شریعت یهود به چادر و برقع در پوشش زنان تصریح نموده است؛ اما حد و مرز پوشش و چگونگی آن در کتاب یکی از علمای معاصر یهود به تفصیل آمده است، که پوشش زنان را در دو مرحله قبل از ازدواج و بعد از آن، به تصویر کشیده است؛ از جمله این‌که دختر یهودی:

۱- قبل از ازدواج، باید از پوشش ساده لباس که دامن آن تا ده سانت زیر زانو، و آستین آن تا آرنج است، استفاده کند.

۲- موی سر او در صورتی که مزین نباشد، لازم نیست پوشیده شود.

۳- اگر بلندی موها به شانه برسد، باید بسته شود.

۴- باید حوالی بلوغ ازدواج کند، و پس از آن رعایت حجاب بر او لازم می‌شود؛ به گونه‌ای که لباس به قدری گشاد باشد، که برجستگی‌های بدن را بپوشاند، و آستین لباس تا مچ دست باشد.

۵- تمامی گردن از دو طرف تا شیب کتف - از پشت و جلو - باید پوشانده شود؛ حتی پاها پوشیده بماند.

۶- از پشت جوراب نباید پای دختر دیده شود، و جوراب‌های عکس‌دار و با رنگ‌های تند، ممنوع است.

۷- تمام موی سر پوشیده بماند؛ چرا که آرایشی که موجب جلب توجه دیگران شود، گناه بزرگی است.^۱ با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد در امر پوشش زنان یهودی، بر پوشاندن موی سر آنان تأکید بیشتری صورت گرفته است؛ بر این اساس، یکی از مورخان بزرگ غربی چنین می‌نویسد:

در طول قرون وسطی^۲، یهودیان هم‌چنان زنان خویش را با لباس‌های فاخر می‌آراستند؛ ولی به آن‌ها اجازه نمی‌دادند با سر عریان به میان مردم روند؛ تا جایی که نپوشاندن موی سر خلافی بود، که مرتکب را مستوجب طلاق می‌ساخت.^۳

از طرف دیگر، در آئین یهود، کسانی که تعالیم شریعت را نادیده گرفته، و به خودآرایی و تبرج پردازند، مشمول عذاب الهی می‌شوند؛ لذا از عاقبت شوم و سختی که در پیش دارند، باید هراسناک باشند.

در راستای نهی از تبرج و خودنمایی، کتاب مقدس - تورات - تشبیه زن و مرد به یکدیگر را نهی کرده، و چنین می‌نویسد:

متاع مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این کار را کند، مکروه یهوه، خدای توست.^۴

بیان این مطلب نیز لازم است، که در تعالیم آئین یهود، احکام و دستوراتی وارد شده، که حکایت از مواضع سخت‌گیرانه این دین در مسئله پوشش، و رعایت حریم زن و مرد است.

شاید وجود این دستورالعمل‌ها مورخان و متفکران را بر آن داشته است، که تنها از رسم حجاب در میان زنان یهود سخن نگویند؛ بلکه علاوه بر آن، سخت‌گیری‌های آنان را در این باره یادآور شوند.

ویل دورانت^۵ - مورخ مسیحی - در این باره می‌گوید:

گفتگوی علنی میان ذکور و اناث - حتی بین زن و شوهر - از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود. دختران را به مدرسه فرستادن و در مورد آن‌ها کسب اندکی علم را به ویژه خطرناک می‌شمردند. با این حال تدریس خصوصی برای اناث، مجاز بود.^۶

ج. جایگاه حجاب و پوشش

حجاب در آئین یهود، از جایگاه قابل‌اعتنایی برخوردار است، که در ادامه به برخی از توأصی این دین به مردان اشاره می‌شود:

شخص نباید در کوچه و بازار، از پشت سر و قفای زنی برود؛ حتی اگر آن زن همسر خود باشد.

اگر روی پل با زنی مواجه شود، باید صبر کند تا آن زن از یک‌سو عبور کند، و سپس خود از پل بگذرد.

هر کس که عمداً از قفای زنی روان است، که از نهر می‌گذرد - تا هنگام عبور از آب همین که پیراهنش را بالا کشید، ساق‌های برهنه او را تماشا کند - سهمی از سعادت جهان آینده نخواهد داشت.

۱- ر. ک: یسرائل یعقوو لوگاسی، ۱۹۸۰.

2. Middle Ages (The 5th to the 15th Century)

۳- دورانت، ۱۳۶۷، ج ۴، ص. ۴۸۴.

۴- عهد عتیق، تورات، سفر تثبیه، باب ۲۲، آیه ۵.

5. William James Durant (1885-1981)

۶- دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص. ۶۶.

حجاب در قرآن عهدین / ۴

کسی که با دست خود پولی به زنی بدهد؛ به منظور آن که رخسار او را بنگرد، و از زیبایی او لذت برد؛ حتی اگر از حیث علم و دانش تورات و اعمال نیک با سرور ما- موسی- برابر باشد، از کیفر جهنم رهایی نخواهد یافت. اگر انسان به دنبال شیر درنده باشد، بهتر از آن است که زنی را تعقیب کند.^۱

هم‌چنین در «تلمود» به پاکی نگاه سفارش شده، و چشم‌چرانی را منافی عفت می‌داند: نه تنها آن کس که با جسم خود زنا می‌کند، زناکار است؛ بلکه آن شخص که با چشمان خود نیز زنا می‌کند، زناکار خوانده می‌شود.^۲

د. حجاب و پوشش در عهد عتیق

در کتاب مقدس موارد متعددی یافت می‌شود، که- صریح یا ضمنی- حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن، مورد تأیید قرار گرفته است؛ به نحوی که در برخی از آن‌ها لفظ چادر و برقع به کار رفته است، که نشان‌گر کیفیت پوشش زنان آن عصر است.^۳

در ادامه به دو نمونه از رعایت پوشش کامل در مقابل نامحرم- به استناد کتاب مقدس- اشاره می‌شود:

۱- در «سفر پیدایش» چنین آمده است:

و رفقه، چشمان خود را بلند کرد، و اسحاق را دید؛ پس از شتر خود فرود آمد، و از خادم پرسید: این مرد کیست، که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟
خادم گفت: آقای من است.

پس برقع خود را گرفته، و خود را پوشانید.^۴

۲- در صحیفه «اشعیاء نبی» گفته شده است:

بوعز گفت: زنهار! کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است، و گفت: چادری که بر توست، بیاور و بگیر.
پس آن را گرفت، و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد، و به شهر رفت.^۵

حجاب در آئین مسیحیت

أ. عمومیت حجاب

ادیان الهی، به خاطر تناسبشان با فطرت و احکام کلی، جهت و شیوه واحدی دارند؛ لذا در دین مسیحیت نیز همانند آئین یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می‌آمده است.

۱- کهن، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۶.

۲- تلمود، وبقرا، ربا، آیات ۳۲-۱۲؛ به نقل از کهن، ۱۳۸۲.

۳- دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص. ۶۲.

۴- عهد عتیق، تورات، سفر پیدایش، باب ۲۴، آیات ۶۵-۶۴.

به گفته مرجع مذهبی یهودیان ایران- خاخام اوریل داودی- منشأ وجوب حجاب در شریعت یهود، مستند به همین فقره است.

۵- عهد عتیق، صحیفه اشعیاء نبی، باب ۳، آیات ۱۰-۸.

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده؛ بلکه در برخی موارد، با تأکید بیشتری و جوب حجاب را مطرح ساخته است؛ زیرا در این شریعت، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می‌شده است؛ به گونه‌ای که ازدواج در سن بیست سالگی، اجباری بود.

به طور کلی از دیدگاه مسیحیت، که تجرد را مقدس شمرده شده است،^۱ زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین - به صورت شدیدتری نسبت به آئین یهود - فراخوانده است.

ب. پیشینه حجاب و پوشش

در بررسی آئین مسیحیت، به نصوصی بر می‌خوریم، که نشان‌گر تداوم بخشی قوانین یهود در مسئله پوشش است. بر این اساس، استفاده از چادر و برقع برای همگان - حتی خاتون‌های اشراف - لازم بوده است؛ لذا در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزئین می‌نمودند؛ حتی برای تفریح نیز با حجاب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می‌جستند.

یکی از مورخان، سیره عملی زنان مسیحی را این‌گونه ترسیم می‌کند:

ساق پای زنان چیزی نبود، که در ملأ عام و یا رایگان به چشم خورد.

البسه بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود، که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند.

هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از شمش ظریف و حریر زربفت ساختند.^۲

ج. حجاب و پوشش در عهد جدید

در ارتباط با موضوع پوشش در آئین مسیحیت، نگاهی به کتاب مقدس - انجیل - انداخته می‌شود.

ای زنان! شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد؛ چون که سیرت طاهر و خداترس شما را ببیند.

شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس؛ بلکه انسانیت باطنی قلبی، در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام است، که نزد خدا گران‌بهاست؛ زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می‌نمودند، و شوهران خود را اطاعت می‌کردند؛ مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود، و او را آقا می‌خواند، و شما دختران او شده‌اید.^۳

۱- یکی از نویسندگان درباره پیشینه این بدعت، می‌نویسد: بعد از آن‌که آئین عیسی دین رسمی مملکت امپراطوری روم گردید، اندکی برنیامد که اصول رهبانیت در آن مذهب به ظهور رسید، و به سرعت رشد و نمو کرد. در آغاز، بعضی اشخاص که به سخنان پولس حواری ایمان داشتند، و اندرز او را که می‌گفت مؤمنان عیسوی از زن و مرد شایسته است، که در تجرد و تفرد زندگی کنند و بی‌همسر بمانند، در دل داشتند، به این روش گراییدند؛ اما ظهور رهبانیت (Monasticism) به صورت یک نهضت خاص مبنی بر قطع علاقه از اجتماع، در اواخر قرن سوم

میلادی به وقوع پیوست. (ناس، ۱۳۸۴، ص. ۶۳۹)

۲- دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱۳، صص. ۴۹۸-۵۰۰.

۳- عهد جدید، رساله پولس به تیموتائوس، باب ۲، آیات ۱۵-۹.

همچنین بر لزوم پوشاندن موی سر - به ویژه در مراسم عبادی - تأکید شده است:

می‌خواهم بدانید، که سر هر مرد، مسیح است؛ و سر زن، مرد و سر مسیح، خداست؛ پس هر مردی که با سر پوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌نماید، زیرا چنان است که تراشیده شود؛ چون اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز برد؛ و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد؛ زیرا مرد نباید سر خود را بپوشد؛ چون که او صورت و جلال خداست؛ اما زن جلال مرد است، و مرد به جهت زن آفریده نشد؛ بلکه زن از برای مرد آفریده شد. از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان؛ اما زن از مرد جدا نیست، و مرد نیز جدا از زن نیست، و در خداوند است؛ زیرا چنان‌که زن از مرد است، مرد نیز به وسیله زن است؛ اما همه چیز از خداست.

پس در دل خود انصاف دهید؛ آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟

آیا طبیعت شما را نمی‌آموزد، که اگر مرد دراز دارد، او را عار می‌باشد؟

آیا زنی که موی دراز دارد، او را فخر است؛ چون که موی به جهت پرده به او داده شده است؟

پس اگر کسی ستیزه‌گر باشد، ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست.^۱

البته از این مطالب نباید نتیجه گرفت، که دین مسیحیت پوشش سر را فقط هنگام دعا لازم شمرده است؛ بلکه سیره عملی زنان مسیحی نشان می‌دهد، که آنان تا زمان رنسانس^۲، به حجاب پایبند بوده‌اند.

د. نقش مقامات کلیسا در توجه به مقوله حجاب و پوشش

رعایت پوشش و پایبندی مسیحیان به رعایت حجاب را باید در اهتمام پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی^۳ جستجو کرد؛ هر چند گاهی قوانین دشواری را وضع نموده‌اند.

زعمای کلیسا طی دستورالعملی پوشاندن صورت را الزامی کردند، و تزئین موی سر و آرایش آن در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلویند، خلخال، طلا و دست‌بند قیمتی، رنگ نمودن مو، و به طور کلی تغییر صورت ظاهری را ممنوع ساختند.^۴

در همین راستا در مورد لزوم پوشاندن صورت، چنین آمده است:

زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشند؛ مگر این‌که در خانه خود باشند؛ زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه به صورتش، وادار به گناه نماید.^۵

بر این اساس، بزرگان دینی مسیحیت، زنانی را که در حفظ پوشش بی‌اعتنا باشند، مورد سرزنش قرار می‌دهند. برتولد^۶ - اسقف مسیحی - خطاب به مردان می‌گوید:

این مطلب با روایات اسلامی نیز مطابقت دارد؛ چنان‌که از زبان حضرت عیسی چنین روایت شده است: از نگاه کردن به زنان بیرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می‌رویاند، و همین برای ایجاد فتنه در شخص نگاه‌کننده، کافی است. (قمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص. ۵۹۶)

۱- عهد جدید، رساله اول پولس به قرنتیان، باب ۱۱، آیات ۱۷-۱.

2. Renaissance (1300-1700)

3. Pope and Cardinal

۴- ر. ک: حکیم الاهی، ۱۳۴۲، ص. ۵۳.

۵- همان.

6. Bertold

می‌توانید به این کارها پایان بخشید، و دلاورانه به مبارزه با آن قیام کنید: ابتدا با سخن خوش؛ و اگر باز سرسختی نشان دهند، قدم میان نهد، و روبند را از سر زن کشیده، و پاره کنید؛ حتی اگر چهاردانه از موها نیز کنده شد، آن را در آتش افکنید.^۱ از این مضامین برمی‌آید، که خودنمایی و خودآرایی بر زنان مسیحی، روا نیست؛ پس کسی که عفاف را رعایت نکند، و گرفتار شهوت جنسی باشد، در حقیقت مرده است؛ چرا که به گفته پولس:^۲ زن عیاش، در حال حیات نیز مرده است.^۳

ی. حجاب و پوشش در مسیحیت معاصر

پس از رنسانس و بروز تحول در فضای فکری- فرهنگی جامعه غربی، رویکرد مسیحیت به مسئله پوشش دستخوش دگرگونی جدی شد؛ به طوری که پس از ظهور مبانی فکری عصر روشنگری^۴، فرهنگ، معنای معنوی و ارزشی خود را از دست داد، و در مفهوم تمدن به کار رفت.

به طور کلی در غرب، فرهنگ به معنای پیشرفت، بهسازی، رشد، ترقی و تکامل تلقی گردید؛ یعنی مظاهر مادی نیز فرهنگ دانسته شد؛ لذا پیشرفت مادی و معنوی، تمدن نام گرفت.

از طرف دیگر، با پیدایش دیدگاه‌های تازه در دوران مدرنیته^۵، سبکی نو در هنرهای تجسمی^۶ اروپا و آمریکای شمالی پدید آمد، که در این گستره، تغییر در نقاشی و پیکرتراشی قابل توجه می‌نماید.

بر این اساس و در این دوران، تندیس‌های برهنه ساخته می‌شود؛ تندیس‌هایی که احساس تن بودن انسان و لزوم پرداختن هنرمند به تن را به بیننده القا می‌کند.

از این میان، می‌توان به پیکرده داوود، ساخته میکل آنژ^۷ اشاره کرد؛ تندیس مرد جوانی در نهایت زیبایی و برومندی، که برهنه مادرزاد است.

این مجسمه نشان می‌دهد پس از دوران تجدد، چه اندیشه و فرهنگی بر دست و قلم هنرمند فرمان می‌رانده است. در عرصه نقاشی نیز می‌توان به صورت‌های تخیلی نقاشان از مریم مقدس اشاره کرد؛ چرا که تصویرهای پیش از رنسانس، مریم را زنی غیر معمولی و سرشار از حجب و حیایی که به وی حالتی ملکوتی می‌بخشد، نشان می‌دهند، که سرشار از زیبایی معنوی است؛ اما نقاشان پس از دوران تجدد، مریم را از آسمان به زمین می‌آورند، و برای ترسیم سیمای او، زنان زیبای کوچک و بازار را الگو قرار می‌دهند.

در چنین ترسیمی، دیگر آن شرم و حجب مقدس دیده نمی‌شود؛ لذا بیننده بیش از آن‌که به یاد ارزش‌های معنوی بیفتد، به زیبایی چهره خیره می‌شود؛ گویا در دوره‌ای که ارزش به تن و چهره است، ارزش مریم نیز به زیبایی ظاهری‌اش بستگی داشته است.^۸

۱- دوران، ۱۳۶۷، ج ۳، ص. ۴۹۸.

2. Paul the Apostle

۳- عهد جدید، رساله پولس به تیموتائوس، باب ۵، آیه ۶.

4. Age of Enlightenment

5. Modernity

6. Visual Arts

7. Michelangelo (1475-1564)

۸- حداد عادل، ۱۳۷۴، صص. ۲۸-۳۲.

حجاب در آئین اسلام

أ. عمومیت حجاب

دین اسلام، که آخرین آئین الهی و به حکم عقل، کامل‌ترین دین است، و برای همیشه و همه بشریت، از طرف خداوند عالم نازل شده است، لباس را هدیه الهی معرفی نموده، و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است؛ به نحوی که از انحرافات و یا افراط و تفریط‌هایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است، اجتناب نموده، و در تشریح قانون، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی در نظر گرفته است.

به طور کلی در حجاب اسلامی، سهل‌انگاری‌های مضر و سخت‌گیری‌های بی‌مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آن‌گونه که غربی‌ها تبلیغ می‌کنند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند، و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

بنابراین، با توجه به گزینه قدرتمند جنسی، احکام و دستورهای اسلامی تدابیری است، که خداوند برای تعدیل و رام کردن، و نیز ارضای صحیح این گزینه تشریح فرموده است.

ب. فلسفه حجاب

در هر بعدی از ابعاد برای سیر به مدارج کمال، بین زن و مرد تفاوتی نیست؛ اما باید اندیشه‌ها قرآن‌گونه باشد؛ یعنی همان‌گونه که قرآن کریم بین کمال و حجاب، و اندیشه و عفاف جمع نموده، انسان نیز در نظام اسلامی میان کتاب و حجاب جمع کند.

به بیان دیگر، عظمت زنان در این است که:

«أَنَّ لَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۲

بر این اساس، حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن، که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند.

در عین حال، اگر کسی از تشخیص و تجزیه و تحلیل اصول الهی ناتوان باشد، ممکن است حجاب را نوعی اسارت بداند؛ در حالی که قرآن کریم وقتی مسئله لزوم حجاب را بیان می‌فرماید، علت و فلسفه ضرورت حجاب را حفظ آرامش و شخصیت زن می‌داند.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۲

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌های خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است. خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

۱- مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰۳، ص. ۲۳۸.

۲- احزاب، ۵۹.

علت این منطق نیز آن است، که چون زنان تجسم حرمت و عفاف در جامعه هستند و حرمت دارند؛ پس باید در فضای آرام و غیر ملتهب زندگی کنند.

در تکمیل این بحث، یکی از متفکران مسلمان در پاسخ به پرسشی در خصوص عدم محدودیت حجاب برای زنان، می‌فرماید:

شبهه‌ایی که در ذهنیت بعضی افراد هست، این است که خیال می‌کنند حجاب برای زن محدودیت و حصری است، که خانواده و وابستگی به شوهر برای او ایجاد نموده است؛ پس حجاب نشانه ضعف و محدودیت زن است.

راه حل این شبهه و تبیین حجاب در بینش قرآن کریم این است، که زن باید کاملاً درک کند، حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف‌نظر کردم؛ حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم؛ حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند؛ حجاب زن، حقی الهی است.

لذا می‌بینید در جهان غرب و کشورهای غربی مبتلا هستند، اگر زن همسر داری آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آن‌ها پرونده را مختومه اعلام می‌کنند؛ اما در اسلام، چنین نیست؛ حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد، نه شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان است؛ چرا که همه این‌ها هم اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود؛ چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است.

خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید، که معلم رقت باشد، و پیام عاطفه بیاورد؛ اگر جامعه‌ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند، و به دنبال غریزه و شهوت رفتند، به همان فساد مبتلا می‌شوند، که در غرب ظهور کرده است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.

از این که قرآن کریم می‌فرماید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می‌شود عصمت زن، حق الله است، و به هیچ کسی ارتباط ندارد.

قهرماً همه اعضای خانواده و اعضای جامعه و خصوصاً خود زن، امین امانت الهی هستند. زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است؛ یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داده و فرموده است: این حق مرا تو به عنوان امانت حفظ کن.

بنابراین، جامعه‌ای که قرآن در او حاکم است، جامعه عاطفه است، و سرش این است که نیمی از جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند، و آن مادرها هستند - چه بخواهیم، چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم - اصول خانواده درس رأفت و رقت می‌دهد؛ و رأفت و رقت در همه مسائل، کارساز است.^۱

ج. حجاب در قرآن کریم

در قرآن کریم، آیاتی به طور صریح، در مورد وجوب حجاب و حد و کیفیت آن نازل شده است، که به یک چند نمونه از این آیات نورانی، اشاره می‌شود.

۱- ضرورت حجاب و عفاف

قرآن، عفاف حضرت موسی علیه السلام و حیای دختران حضرت شعیب علیه السلام را در زیباترین بیان ترسیم نموده، و می‌فرماید:

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا»^۲

۱- ر. ک: جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، ۱۳۷۸.

۲- قصص، ۲۵.

ناگهان یکی از آن دو به سراغ او [موسی] آمد؛ در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن [به گوسفندان] را که برای ما انجام دادی، به تو بپردازد. خداوند برای نشان دادن عظمت این دختران، واژه استحیاء را به صورت نکره آورده است تا عفت و نجابت ایشان را از طریق راه رفتن نشان داده باشد.^۱

در مقابل، عفت حضرت موسی علیه السلام است، که دختر شعیب به خاطر نوع برخوردش، او را ملقب به امین نمود.^۲

۲- ضرورت کنترل نگاه

مسئله کنترل نگاه و حفظ آن نیز یکی دیگر از دستورات قرآنی است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۳

[ای پیامبر] به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند، و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه تر است؛ زیرا خدا به آنچه می کنند، آگاه است.

و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را فرو بندند، و پاکدامنی ورزند، و زیورهای خود را آشکار نگردانند؛ مگر آنچه که از آن پیداست، و باید روسری خود را بر سینه خویش اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم کیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند؛ یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند، معلوم گردد.

ای مؤمنان! همگی به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

عبارت «غض بصر» که در آیه شریفه آمده است، در لغت به معنای کاهش دادن نگاه و خیره نشدن است.^۴ بر این اساس، مرد و زن وظیفه دارند از نگاه خیره پرهیز نمایند، و با دوری از نگاه های خیره و آلوده، راه گسترش عفت را در جامعه، هموار سازند.

۳- ضرورت اجتناب از کلام هیجان انگیز

قرآن کریم، از این که آهنگ و محتوای سخن زن هیجان انگیز باشد، هشدار داده و می فرماید:

۱- طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص. ۲۶.

۲- ر. ک: قصص، ۲۶.

۳- نور، ۳۱-۳۰.

۴- مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص. ۲۳۵.

«يا نساءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۱

ای زنان پیامبر! شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید؛ پس به نرمی سخن نگویند تا آن مردی که در قلب او مرضی هست، به طمع افتد؛ و سخن پسندیده بگویید.

این آیه هر چند خطاب به همسران پیامبر علیهم السلام است؛ اما دستور عامی به تمامی زنانی است، که گفتارشان هم به لحاظ شیوه بیان و هم به لحاظ محتوا، عقیفانه باشد.

بنابراین، محتوای سخن باید قول معروف باشد؛ یعنی سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را بپسندد، و آن سخنی است که فقط مدلول خود را برساند.^۲

نتیجه آن که در فرهنگ اسلامی، هر گفتاری که با ناز و عشوه همراه باشد، نمادی از بی‌عفتی است؛ لذا محتوای کلام نیز هر گاه شهوت را برانگیزد، به دور از عفت است.

د. حجاب در روایات اسلامی

حجاب و پوشش در روایات نیز فصل بزرگی از کلام نورانی معصومین علیهم السلام را به خود اختصاص داده است؛ به نحوی که با ارائه دستورالعمل‌هایی جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون کرده‌اند، که به دو نمونه از تعبیر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می‌شود:

۱- عفت نسبت به زنان مردم

نسبت به زنان مردم عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند.^۳

۲- پرهیز زنان از شبیه ساختن خود به مردان

از ما نیست هر زنی که خود را شبیه مردان کند؛ یا هر مردی که خود را شبیه زنان کند.^۴

نتیجه‌گیری

از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در ادیان الهی، استنباط می‌گردد که حجاب در ادیان دیگر- نسبت به اسلام- از شدت بیشتری برخوردار بوده است.

به عنوان مثال و همان‌طور که اشاره شد، چادر و روبند از ارکان اخلاقی یهودیان و مسیحیان محسوب می‌شده است؛ در حالی که بنا بر نظر بیشتر فقهای اسلامی، پوشاندن صورت واجب نیست.

از طرف دیگر، محق دانستن مرد در طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده- بدون پرداخت مهریه- در دین یهود، و نیز رکن بودن چادر و روبند و ذکر نام آن دو- به طور صریح- در کتاب مقدس مسیحیان، و البته وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا، بهترین گواه بر این مطلب است.

۱- احزاب، ۳۲.

۲- طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

۳- حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۴۱.

۴- محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۸.

بنابراین، نه تنها دین اسلام واضع قانون حجاب نبوده است؛ بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته است، و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است. بر این اساس، عفاف به صنف خاصی اختصاص ندارد، و برای زن و مرد یک فضیلت اخلاقی به شمار می‌آید؛ لذا ادیان الهی بر این ملکه نفسانی تأکید داشته، و از پیروان خود پایبندی به آن را درخواست می‌کنند. به طور کلی و مطابق با نتایج این مقاله از بررسی مسئله حجاب در ادیان الهی، به نتایجی دست می‌یابیم، که بخشی از آن وجه مشترک ادیان محسوب می‌شود، و برخی نیز حکایت از افتراق و تمایز ادیان دارد، که به صورت زیر بیان می‌شود:

أ. جهات مشترک

- ۱- نصوص دینی ادیان الهی، تمایل به پوشیدگی را امری درونی می‌دانند؛ به همین دلیل از آغاز خلقت، آدم و حوا، برهنگی را ناپسند دانسته، و به دنبال پوششی از برگ درختان بودند.
- ۲- خویشتن‌داری و عفاف در ادیان الهی، به عنوان فضیلت اخلاقی تلقی می‌شود؛ از این رو در جهت گسترش فرهنگ عفاف، راه‌کارهایی از قبیل پاکی نگاه و حفظ حریم روابط زن و مرد مطرح شده است.
- ۳- پرهیز از خودآرایی و خودنمایی مورد توصیه ادیان آسمانی است؛ به عنوان مثال: در آیین یهود برای زنی که با خودآرایی به جامعه پا بگذارد، عذاب سختی پیش‌بینی شده است.

ب. وجوه افتراق

- ۱- در عهدین - عهد قدیم و جدید- با نگرش افراطی مواجه می‌شویم، که بیان‌گر مواضع سخت‌گیرانه آنان در مسئله پوشش است، که تأکید بر چادر و روبند به عنوان ارکان اخلاقی عهدین، از آن جمله است؛ در حالی که طبق نظر عالمان و فقهای اسلامی، پوشش صورت ضرورت ندارد.
- ۲- در فرهنگ عهدین، عفاف ملازم خانه‌نشینی و عزلت‌گزینی زنان است؛ اما در فرهنگ اسلامی حضور مؤثر و فعال زن در عرصه اجتماعی، بخشی از فلسفه وجودی حکم پوشش است.
- ۳- سلب فعالیت اجتماعی زنان نتیجه طبیعی نوع پوششی است، که در نصوص دینی عهدین پیشنهاد شده است؛ این در حالی است که دین اسلام در جهت فعال‌سازی جامعه زنان گام‌های مؤثری برداشته است.
- ۴- طرح مسئله پوشش در عهدین همراه با ابهام و کلی‌گویی است، و راه روشنی را به روی پیروان خود نمی‌گشاید؛ در صورتی که دین اسلام با بیانی روشن و تفصیلی، خط‌مشی مسلمانان را در این عرصه تبیین کرده است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- عهد قدیم.
- تورات، سفر پیدایش.
- تورات، سفر خروج.
- صحیفه اشعیاء نبی.
- ۳- عهد جدید.
- رساله پولس به تیموتائوس.
- رساله اول پولس به قرنتیان.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۵- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۷۴)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش.
- ۶- حرعاملی، محمدین حسن، (۱۴۱۴)، وسایل الشیعة الی تفصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- ۷- حکیم الاهی، هدایت‌الله، (۱۳۴۲)، زن و آزادی و ضرب‌المثل‌های ملل راجع به زنان، تهران: چاپخانه فردوسی.
- ۸- دورانت، ویل، (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ۹- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۱۰- قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۴)، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، قم: دار الأسوة.
- ۱۱- کهن، ابراهام، (۱۳۸۲)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۷)، بحار الأنوار، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- ۱۳- محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۵)، میزان الحکمة، قم: انتشارات دار الحدیث.
- ۱۴- مصطفوی، سید حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۵- ناس، جان بایر، (۱۳۸۴)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۶- یسرائل یعقوو لوگاسی، هاراو، (۱۹۸۰)، بت یعقوو، بی‌تا.